



A Comparative Study of Limits on the Use of Force by Law Enforcement Officers

Azar Rezagholi*, Hossein Aghababaei**, Mojtaba Janipour***

Abstract

Governments employ various tools and programs to address crime and insecurity within society. Law enforcement officers are typically responsible for implementing these programs, and are granted corresponding tools and powers. Without these powers, it would be impossible to fulfill their duties and achieve the primary goal of establishing order and security. However, a crucial concern in maintaining order and security is protecting the rights and freedoms of citizens. Law enforcement officers must not violate these rights under the pretext of preserving order. Therefore, this research aims to comparatively examine the restrictions on the use of force by law enforcement officers and outline the minimum standards that ensure both citizen safety and freedom.

The most important international legal documents in this regard are the "Basic Principles of the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials" adopted by the Eighth United Nations Congress on Crime Prevention in 1990 and the "Code of Conduct for Law Enforcement Officials" approved in 1979. Adherence to these documents, as well as domestic regulations of countries with strong citizen rights protections, can contribute to unifying the rules governing the use of force by law enforcement officers worldwide. In Iranian law, the most significant

How to Cite: Rezagholi, A., Aghababaei, H., Janipour, M. (2024). A Comparative Study of Limits on the Use of Force by Law Enforcement Officers, *Journal of Legal Studies*, 16(3), 31-62.

* M.A in criminal law and criminology, Law Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: Rezagholiazar214@gmail.com

** Associate Prof, Law Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran (Corresponding Author). Email: aghababaei@guilan.ac.ir

*** Associate Prof, Law Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: Janipour@guilan.ac.ir

legislation related to this issue is the "Law on the Use of Weapons by the Law Enforcement Officers of the Armed Forces in Necessary Cases." This law has been analyzed to assess its compliance with the aforementioned international documents. It is important to note that "law enforcement officers" in this context do not refer solely to those responsible for maintaining order and security in a literal sense. This term is used in the aforementioned documents and laws of some countries, such as the United States, to include officers who are specifically tasked with law enforcement. Moreover, the use of force in this research encompasses not only physical force, weapons, and physical contact but also non-material force, such as insulting or humiliating behavior.

This research, employing a descriptive-analytical methodology, seeks to answer the question of when and to what extent the use of force by law enforcement officers is permissible. In other words, what are the acceptable limits of force in various situations to ensure both order and security while safeguarding the rights and well-being of accused persons, criminals, and other citizens? To achieve this goal, the limitations faced by law enforcement officers should be categorized into relative and absolute. Relative limitations allow for the use of force under certain conditions, such as saving their own lives or the lives of citizens, provided that the force used is proportionate. In contrast, absolute restrictions prohibit the use of force in certain cases, such as torture of accused persons or crowded educational and therapeutic facilities, due to the reasons discussed in this research.

The research findings indicate that Iranian regulations grant law enforcement officers broad powers to establish security, as outlined in ten clauses of the "Law on the Use of Weapons." However, a significant concern is that the law equates these broad cases with the preservation of human life. Therefore, this research suggests the need to amend existing laws, particularly the "Law on the Use of Weapons," to align them more closely with the basic principles of the United Nations regarding the use of force. The use of weapons and force should be determined on a case-by-case basis, considering the specific circumstances involved. The general rule should prioritize saving the lives of the officer and other citizens. Furthermore, the research highlights that the use of force, whether material or non-material, can cause harm to accused persons and criminals. While material force can result in physical injury or loss of life, non-material force, such as humiliation, can inflict psychological harm. Therefore, it is essential for relevant institutions, particularly prosecutors' offices, to monitor the behavior of law enforcement officers to ensure the dignity of accused persons and criminals. Any violations should be clearly addressed through legal punishment.

Keywords: law enforcement officers, use of force, use of weapons, rights of prisoners, freedom of assembly.

Article Type: Research Article.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو مرکز
پرتال جامع علوم انساني

مطالعه تطبیقی محدودیت‌های استفاده از زور توسط مأموران اجرای قانون

آذر رضاقلی*، حسین آقابابایی**، مجتبی جانی‌پور***

چکیده

حق بر امنیت و آسایش شهروندان از جمله حقوق بنیادین بشر و تضمین آن، کارویژه اصلی دولت‌هاست. تأمین و تضمین این حق، به مدد مشروعیت و اقتدار قانونی و جلب رضایت و مشارکت شهروندان در خلق و حفظ نظم و امنیت در یک ساختار مردم‌سالار میسر می‌شود. یکی از ابزارهای تحت اختیار دولت برای تضمین نظم و امنیت، مأموران اجرای قانون هستند. از سوی دیگر، تضمین آزادی و حفظ کرامت شهروندان حق بنیادین دیگری است که ممکن است به بهانه تأمین امنیت، توسط مأموران نادیده انگاشته شده و یا با محدودیت ناموجه روبرو شود. در این مطالعه به روش تحلیلی-توصیفی، در پاسخ به این پرسش که اعمال زور توسط مأمورین اجرای قانون با چه محدودیت‌هایی مواجه است؟ با استناد به قواعد عامی که اکثریت کشورها و اسناد حقوق بشری مدنظر قرار داده‌اند، محدوده اعمال زور در موقعیت‌های مختلف و امکان به‌کارگیری زور در آن موارد بررسی شد. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که در قوانین و رویه‌های مورد عمل توسط مأموران اجرای قانون در ایران در مواردی استانداردهای موجود به‌خصوص در حفظ جان افراد بی‌گناه یا متهمان موردتوجه نیست و اصلاح قانون به‌کارگیری سلاح از این منظر نیازمند اصلاح و بازنگری است.

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
Email: Rezagholiazar214@gmail.com

** دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول).
Email: aghababaei@guilan.ac.ir

*** دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
Email: Janipour@guilan.ac.ir

مطالعات حقوقی، ۱۴۰۳، دوره شانزدهم، شماره سوم، صص ۶۲-۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

ناشر: دانشگاه شیراز

واژگان کلیدی: مأمور اجرای قانون، اعمال زور، استفاده از سلاح، آزادی تجمعات، حقوق زندانیان

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

سرآغاز

پیشگیری و مقابله با جرم و ناامنی که آسایش و امنیت شهروندان را به مخاطره می‌اندازد، همواره از اصلی‌ترین کار ویژه‌های نظام‌های سیاسی است (Aghababaei, 2010: 15). دولت‌ها به اقتضای زمان و موقعیت هر جامعه و مخاطراتی که شهروندان را تهدید می‌کند، برنامه‌ها و ابزارهایی برای پیشگیری و مقابله با تهدیدهای برهم‌زننده آرامش و امنیت شهروندان دارند که ایجاد ساختارهای امنیتی- انتظامی و آموزش و به‌کارگیری مأموران حافظ نظم و امنیت یکی از آنهاست. متناسب با تکالیف و انتظارات از مأموران اجرای قانون، قدرت، اختیارات و تجهیزاتی نیز به آنها تفویض شود. آنچه این مأمورین را از سایر کارکنان دولتی و شهروندان عادی متمایز می‌کند، تجهیز آنان به ابزارهایی از جمله سلاح گرم است که به‌وسیله آن درصدد تضمین نظم و امنیت و عنداللزوم توقیف یا دستگیری برهم‌زندگان نظم هستند (Abdollahi & Rezagholi & Nasri, 2023: 172). تجهیز مأموران به این ابزارها، یک وضعیت نابرابر خاص و امکان‌توسل به‌زور برای مأموران اجرای قانون ایجاد می‌کند. برای آنکه قدرت مأموران و ابزارهای تحت اختیار آنها جهت نقض حقوق شهروندان بی‌گناه به کار گرفته نشود، یا در حوزه اعمال قانون نسبت به متهمان یا برهم‌زندگان نظم و امنیت به افراط و انحراف کشیده نشود، دولت‌ها محدودیت‌هایی را در راستای قانونمند کردن انجام وظایف و به‌صورت خاص نحوه به‌کارگیری تجهیزات و سلاح‌های تحت اختیار مأموران وضع کرده‌اند.

موضوع اصلی این تحقیق، بررسی تطبیقی این محدودیت‌ها و استانداردهای حداقلی است که توجه به آنها در اجرای قانون یا حفظ نظم می‌تواند امنیت و آزادی شهروندان را به‌صورت هم‌زمان تضمین کند؛ به‌نحوی که با تمسک به قوانین و مقرراتی

که مورد توجه اکثریت کشورها و مجامع بین‌المللی قرار گرفته، وظایف و اختیارات مأموران در برقراری نظم و امنیت احصاء شده و جهت تضمین حقوق و آزادی‌های افراد جامعه، ضمانت اجرای نقض قانون توسط مأموران در استفاده از زور یا خطای آنان مشخص شود. در این راستا مهم‌ترین سند بین‌المللی مرتبط یعنی «اصول اولیه استفاده از زور و سلاح گرم توسط مقامات انتظامی»^۱ که توسط هشتمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و جنایت در ۲۷ اوت تا ۷ دسامبر ۱۹۹۰ در هاوانای کوبا مصوب شده و «آیین‌نامه رفتار برای مقامات مجری قانون»^۲ قطعنامه مصوب مجمع عمومی در سال ۱۹۷۹ مورد استناد قرار گرفته است. مفاد و محتوای این اسناد و همچنین مقررات داخلی کشورهایی که در زمینه رعایت حقوق شهروندی در اعمال زور پیشرو هستند، می‌تواند گامی روبه‌جلو در یکسان‌سازی قوانین اعمال زور توسط مأموران باشد و با الگوبرداری از آن، اصلاح قوانین و رویه‌های داخلی مدنظر قرار گیرد.^۳

پنج سال پس از تصویب سند مذکور توسط سازمان ملل، یعنی در سال ۱۳۷۳ هجری شمسی «قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» در قوه مقننه ایران تصویب شد. در تحقیق پیش‌رو، مطالعه قانون فوق و میزان مطابقت آن با سند مذکور به‌عنوان مهم‌ترین سندی که استانداردهای حداقلی را معین کرده، انجام شده است. علاوه بر این، میزان مطابقت قوانین دیگر کشورها از جمله کشورهای اروپایی و مصوبات شورای اروپا با قانون مذکور نیز بررسی شده است.

1. Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials.

2. Code of Conduct for Law Enforcement Officials (Adopted by General Assembly resolution 34/169 of 17 December 1979)

۳. در مقدمه سند «اصول اولیه استفاده از زور و سلاح گرم توسط مقامات انتظامی» آمده است که اصول اساسی ذکر شده در آن برای کمک به کشورهای عضو در جهت تضمین و ارتقای شغلی مأمورین اجرای قانون نگارش شده که دولت‌ها باید آن را در چارچوب قوانین داخلی خود بگنجانند و به اطلاع عموم و همچنین مأموران و مقام‌های قضایی برسانند.

شایان ذکر است مقصود از مأمورین اجرای قانون، معنای لغوی آن در فارسی نبوده؛ بلکه مراد از این مفهوم، ترجمه عبارت لاتین «Law Enforcement Officers» است که در اسناد مذکور^۱ و حقوق پاره‌ای از کشورها نظیر آمریکا استفاده می‌شود و شامل مأمورینی است که به موجب قانون، صرفاً وظیفه حفظ نظم و امنیت را بر عهده دارند.^۲ همچنین مقصود از اعمال زور در این تحقیق صرفاً زور مادی به معنای استفاده از سلاح و برخورد فیزیکی توسط مأموران نیست، بلکه اعمال زور غیرمادی (معنوی) نیز به عنوان جنبه‌ای از اعمال زور توسط مأموران که شامل رفتارهای توهین‌آمیز و تحقیرکننده است، مورد توجه قرار گرفته است.^۳

بر این اساس، سؤال اصلی در این تحقیق این است که اعمال زور توسط مأموران در چه مواقعی و تا چه اندازه جایز است و با چه محدودیت‌هایی مواجه است؟ حد استاندارد اعمال زور توسط مأموران در موقعیت‌های مختلفی که پیش‌روی آنان است، چه مقدار است که هم نظم و امنیت برقرار شود و هم حقوق و سلامت متهمان، مجرمان و شهروندان بی‌گناه تضمین شود؟ با توجه به سؤال مطرح شده محدودیت اعمال زور دو بخش محدودیت‌های نسبی و مطلق بررسی شده است. مراد از محدودیت‌های نسبی آن است که مأموران در برخی مأموریت‌های خود، ناچار به استفاده از زور هستند. در ذیل این بخش مباحثی تحت عنوان محدودیت اعمال زور حین دستگیری متهمان و مظنونان، محدودیت اعمال زور در مورد بازداشت‌شدگان و

1. Code of Conduct for Law Enforcement Officials, Article 1: (a) The term "law enforcement officials", includes all officers of the law, whether appointed or elected, who exercise police powers, especially the powers of arrest or detention.

۲. در این تحقیق ترجمه این عبارت به اختصار مأمورین استفاده شده است.

۳. در مقررات برخی کشورها به این نوع از اعمال زور توجه داده شده است. به عنوان نمونه: بند ۶ ماده واحد «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» علاوه بر اعمال زور فیزیکی، مواردی نظیر استخفاف و تحقیر را ممنوع اعلام نموده است. همچنین ماده یک قانون پلیس ایالت زوریخ (Verordnung über die polizeiliche Zwangsangewendung 2009) رفتار توهین‌آمیز و تحقیرآمیز را مصداقی از اعمال زور ممنوعه اعلام کرده است.

زندانیان و محدودیت‌ها حین برگزاری تجمعات و اعتراض‌ها بررسی شده است. منظور از محدودیت اعمال زور به صورت مطلق، ممنوعیت به‌کارگیری زور حین مأموریت‌های مأموران، تحت هر شرایطی است. در این بخش مباحثی تحت عنوان شکنجه متهم، اقدام‌های مأمورین در شارع عام و اماکن آموزشی - درمانی مورد بحث قرار گرفته است.

۱. محدودیت‌های نسبی در استفاده از زور

منظور از محدودیت نسبی، همان‌گونه که اشاره شد، تعیین شرایط و ضوابطی است در به‌کارگیری زور توسط مأمورین در حین انجام وظیفه اعم از دستگیری، تعقیب و غیره و در موقعیت‌های مختلفی که ممکن است انجام کاری به مأموران واگذار شود. امکان به‌کارگیری زور و محدودیت‌های آن در این موقعیت‌ها همراه با مقایسه تطبیقی قوانین و رویه‌های مورد عمل در ایران با قواعدی که در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است، در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱. محدودیت اعمال زور حین دستگیری متهمان و مظنونان

با ارتکاب جرم و تعقیب آن، چرخ‌های دستگاه عدالت کیفری به حرکت درآمده و در صدد است تا با استفاده از ابزارهای قانونی خود، مرتکب جرم را از صافی‌های متعددی رد کرده و تکلیف وی را در رابطه با اتهام انتسابی روشن کند (Bernar, 2005: 21). اولین قدم برای رسیدگی کیفری، احضار و یا در مواردی دستگیری متهم است. دستگیری قبل از محاکمه می‌تواند یکی از جنبه‌های خطرناک نادیده گرفتن حقوق متهمان باشد. به همین دلیل توجه به حقوق متهم حین دستگیری از دستاوردهای حقوق مدرن است. نباید به‌صورت مداوم قوانین را اصلاح کرد و به مأموران قدرت بیشتری برای دستگیری بدون حکم و بدون در نظر گرفتن حقوق اساسی و آزادی‌های مدنی داد. به همین منظور

ضرورت دارد اصل بر آزادی افراد باشد و موقعیت‌هایی که به منظور حفظ نظم و امنیت جامعه تحدید این آزادی‌ها ضروری است، به موجب قانون، معین و احصا شوند.

قانون به کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳، در ماده ۳ موارد استفاده از سلاح را برای دستگیری متهمان به عنوان جنبه‌ای از اعمال زور مأمورین، در ده بند احصا کرده است. این موارد بیش از آنکه تعیین کننده یک قاعده الزام‌آور حقوقی برای استفاده از سلاح باشد، چندین مثال ناقص برای کاربرد سلاح در موقعیت‌های خاصی است که هیچ قاعده‌ای را نمی‌توان از آن استنباط کرد و اتفاقاً خود منجر به ابهام در به کارگیری سلاح شده است. این در حالی است که دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند، چارچوب قانونی حاکم بر استفاده از زور توسط مأموران به اندازه کافی روشن است که از مردم و مأموران حفاظت کند (Murdoch & Roche, 2013: 27). افزون بر آن، تبصره ۳ ماده فوق مراحل استفاده از سلاح را پیش بینی کرده است؛ اما مسئله مهم این است که تمام موقعیت‌ها را نمی‌توان منطبق با آن دانست. به عنوان مثال برای مظنون یا متهم فراری در اتومبیل یا قایق در حال حرکت، مسئله رعایت مراحل کمر به پایین قابل اجرا نیست و تیراندازی توسط پلیس ممکن است منجر به آسیب بدنی و مرگ راننده و یا سرنشینان اتومبیل یا قایق شود.^۱ نتیجه این که در این موارد، مهم‌ترین وظیفه مأمور که دستگیری و تحویل متهم به دستگاه قضا برای طی فرایند رسیدگی است، به ارتکاب جرم جدیدی از طرف

رتال جامع علوم انسانی

۱. صفحات حوادث روزنامه‌ها و سایت‌های خبررسانی حاوی گزارش متعدد از این موارد است که نوعاً قربانیان کودکان یا سایر افراد بی‌گناه هستند. مواردی که به تازگی حادث شد، یکی تیراندازی مأموران به اتومبیل در حال حرکت به ظن حمل مواد مخدر در استان هرمزگان بود که منجر به فوت یک دختر بچه ۱۲ ساله شد. در گزارش اولیه پلیس، علت حادثه، عدم توقف اتومبیل و بی‌توجهی راننده به عملیات مراقبت و ایست مأموران و پستی و بلندی جاده عنوان شده است (اقتصاد آنلاین، ۱۴۰۱). دیگری تیراندازی به یک خودرو در حال حرکت بر اساس گزارش سرقت است که با تیراندازی مأموران منجر به فوت یک کودک ۹ ساله شد (دیدهبان ایران، ۱۴۰۲) یکی از نویسندگان با اشاره به این نقص قانون می‌نویسد: ضرورت دارد به منظور شفاف‌سازی استفاده از سلاح در شرایط جوی دریایی و همچنین مناطق ممنوعه مرزی، موادی در این مورد به قانون به کارگیری سلاح اضافه شود (Gholami Razini, & Soltani, & Gholami, 2017: 1).

مأموران یا اجرای مجازاتی نسبت به متهم یا محکوم فراری می‌شود که در اکثر موارد مجازاتی فراتر از آنچه در قانون برای جرم ارتكابی پیش‌بینی شده، تبدیل شده است؛ بنابراین اصلاح و تصویب قانونی که استفاده از زور و سلاح را حین دستگیری قاعده‌مند کند، ضروری به نظر می‌رسد.

اصل ۹ «اصول اساسی استفاده از زور و سلاح گرم توسط مقامات مجری قانون»، استفاده از سلاح حین دستگیری متهمان و مجرمان را هنگامی مجاز می‌داند که برای دفاع از خود در برابر تهدید قریب‌الوقوع، مرگ یا جراحت جدی و یا برای جلوگیری از ارتكاب جرمی باشد که تهدید جدی برای حیات افراد است. مورد دیگر، دستگیری افرادی است که در حال انجام جرم جدی هستند و تهدیدی برای حیات افراد هستند. لیکن استفاده مرگبار از سلاح گرم را تنها در مواقعی جایز می‌داند که به منظور حفاظت از جان افراد و اهداف مذکور راه‌حل کمتر خطرناک پاسخگو نبوده باشد. همچنین آیین‌نامه پلیس زوریخ در بند ۲ ماده ۸ موارد استثنا اعمال زور را دفاع اضطراری از خود مأمور و یا شخص دیگر معین کرده است. ضمن آنکه به اصل تناسب مندرج در اصل ۵ قانون اساسی فدرال سوئیس هم توجه دارد. این اصل که اهمیت ویژه‌ای دارد، خواستار آن است که اقدام مسئولین برای رسیدن به هدف در جهت منافع عمومی، مناسب و ضروری باشد. علاوه بر این، هدف باید متناسب با بارهای تحمیل شده بر شهروندان باشد. بند دوم ماده ۲ «قانون حقوق بشر انگلیس»^۱، حق زندگی را برای همه افراد محترم شمرده و محرومیت از زندگی را درحالی‌که ناشی از اعمال زور باشد، در صورتی مجاز می‌داند که در دفاع از اشخاص در برابر هر نوع خشونت غیرقانونی و یا به منظور دستگیری و جلوگیری از فرار چنین شخصی باشد؛ بنابراین، برخلاف آنچه در ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح پیش‌بینی شده است، در اسناد مذکور و همچنین قوانین کشورهای مورداشاره قاعده خاصی برای به‌کارگیری زور حین دستگیری وجود دارد که

1. Human Rights Act 1998.

عبارت است از حفظ جان شهروندان و یا خود مأمور و در این راستا یک جرم خاص نیز مدنظر نبوده بلکه در اثنای دستگیری هر مجرمی که مسئله حفظ جان مطرح باشد، استفاده از زور نیز جایز است. با توجه به موارد، در هنگام استفاده از زور و سلاح در موقع بازداشت و دستگیری، سه موضوع مهم باید مدنظر قرار گیرد:

نخست، رفتارها و جرائم ارتكابی که توجیه‌کننده اعمال زور از جانب مأموران است، باید مشخص شوند. مطابق با اصول اساسی استفاده از زور و سلاح گرم سازمان ملل متحد و همچنین قوانین کشورهای مورداشاره، اقدام علیه حیات و زندگی افراد جامعه، توجیه‌کننده استفاده از زور و سلاح توسط مأموران است؛ به این معنی که فردی که حین دستگیری مقاومت می‌کند یا فرار می‌کند باید در حالی باشد که جان افراد دیگر را به خطر بیندازد. مقاومت، بدون ایجاد چنین خطری نمی‌تواند توجیهی برای استفاده از زور و به‌کارگیری سلاح باشد (UNODC, 2017: 136). در پرونده ماکاراتیس علیه یونان^۱، دادگاه حقوق بشر اروپا تأکید کرد مأموران نباید هنگام انجام وظیفه اعمال سلیقه شخصی کنند، چه در هنگامی که در حال انجام یک عملیات از پیش برنامه‌ریزی شده باشند و چه هنگامی که در حین دستگیری یا تعقیب فردی هستند که خطرناک تلقی می‌شود، باید یک چارچوب قانونی و اداری که تعیین‌کننده شرایط، محدودیت‌ها و همچنین استفاده از زور و سلاح گرم باشد، توسط دولت‌ها با توجیه استانداردهای بین‌المللی که در این رابطه ایجاد شده است تعریف کنند.

برخلاف این استانداردها، در برخی کشورها مانند آمریکا، مأموران اختیارات گسترده‌ای در دستگیری متهمان دارند و در بیشتر حوزه‌های قضایی این کشور، روش‌های جایگزین برای دستگیری مانند احضار، حتی برای جرائم کم‌اهمیت مانند ولگردی کمتر استفاده می‌شود. مثال روشن در این زمینه پرونده «جورج فلویید»^۲ شهروند سیاه‌پوستی است که صرفاً به اتهام تلاش در خرید سیگار و اینکه یک اسکانس

1. Makaratis v. Greece
2. George Floyd

۲۰ دلاری تقلبی به فروشنده داده بود، در اثر خفگی ناشی از اعمال زور پلیس جان خود را از دست داد (Garrett & Slobogin, 2020: 1536). در حقوق ایران نیز که به‌عنوان مثال در بند ۵ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح، جهت جلوگیری از فرار متهم به‌طور کلی و بدون تعیین جرم ارتكابی از جانب وی، استفاده از سلاح و زور توسط مأمور را تجویز کرده است؛ همچنین در بند ۱۰، خروج غیرقانونی از مرز را که جرمی تعزیری است موجبی برای استفاده از زور توسط مأمور می‌داند، ضروری است مطابق با استانداردهای جهانی اصلاح شود و استفاده از سلاح فقط محدود به مواردی باشد که جان مأمور و یا دیگر شهروندان درخطر است.

به‌طور کلی در مواردی که مأمور در حال انجام وظیفه دستگیری متهم متواری است، اگر جرم ارتكابی از جرائم کم‌اهمیت باشد، اگرچه فرار متهم اقدامی غیرقانونی است، اما رفتاری غیر خشونت‌آمیز و از نظر اجتماعی قابل‌اغماض و چشم‌پوشی است. مضاف بر آن، اهمیت و خطر آن با ارزش زندگی متهم قابل‌مقایسه نیست. فلذا باید توجه کرد که نخست، تصمیم مأمور به تیراندازی به‌سوی متهم، بدون محاکمه متهم گرفته شده است و دوم، در صورت محاکمه و محکومیت، مجازات قانونی اکثر جرائم بسیار کمتر از مجازات سلب حیات است. علاوه بر همه این‌ها، احتمالاً متهم را می‌توان در همان شب در رختخوابش پیدا کرد و دستگیری می‌تواند در صلح و آرامش انجام شود (Moreland, 1955: 481). درنهایت هم اگر متهمی از صحنه جرم فرار کند، بهتر از آن است که جانش به خاطر ارتكاب جرمی کم‌اهمیت گرفته شود.

دوم، حتی در صورت اعمال جرائم جدی و تهدیدکننده حیات افراد جامعه، بلافاصله نباید به‌زور و استفاده از سلاح متوسل شد، بلکه استفاده از زور و سلاح باید قاعده‌مند بوده و همان‌طور که در قسمت اخیر اصل ۹ «اصول اساسی استفاده از زور توسط مقامات مجری قانون»^۱ بیان‌شده، فقط در شرایطی باشد که راه‌حل‌های دیگر

کارساز نباشد. به عبارت دیگر، استفاده قانونی از زور حین دستگیری باید آخرین راه‌حل و محدود به شرایطی باشد که به شدت توسل به‌زور در آن ضرورت دارد (INDECOM, 2017:30). بر این اساس، مجاز بودن توسل به‌زور به این معنا نیست که چون مرتکب در آستانه انجام جرم جدی مانند قتل است مأمور نیز در ابتدا از سلاح و اعمال کشنده علیه وی استفاده کند، بلکه مأمور باید نخست از راه‌های کمتر خطرناک که ضامن حفظ جان مرتکب است شروع به اقدام یا دفاع کند.

سوم، در صورت ارتکاب جرائم جدی و لزوم استفاده از زور و سلاح، تناسب هم باید رعایت شود؛ به این معنی که متناسب با اعمال ارتكابی از جانب مرتکب، زور نیز استفاده شود. همچنان که ماده ۳ «آیین‌نامه رفتار برای مقامات مجری قانون مصوب ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل»، مؤید رعایت این اصل است.

علاوه بر زور فیزیکی و استفاده از سلاح، مأمورین باید حین دستگیری، حیثیت و کرامت متهمین را نیز رعایت کنند. در این راستا ماده ۲ «آیین‌نامه رفتار برای مقامات مجری قانون» مقرر کرده: مأموران مجری قانون در انجام وظایف خود باید احترام به کرامت انسانی را رعایت و از آن حمایت کنند. همچنین حقوق بشر همه افراد را حفظ و از آن حمایت کنند. همچنین ماده ۵ آیین‌نامه موصوف نیز هرگونه رفتار ظالمانه و غیرانسانی و تحقیرآمیز توسط مأموران اجرای قانون را ممنوع اعلام کرده است. در مقررات ایران، اصل ۳۹ ق.ا. بر لزوم رعایت حرمت و حیثیت متهم در حین دستگیری تأکید و در ماده ۵۷۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ ضمانت اجرای آن انفصال از خدمت و حبس تعیین شده است. علاوه بر این، بند ۵ و ۶ ماده واحده «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» نیز اصل را بر منع دستگیری و بازداشت افراد قرار داده و در بند ۶ صراحتاً اعمال زور توسط مأموران را به هنگام دستگیری اعم از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف نسبت به آنان را جرم دانسته است. در خصوص رعایت این مقررات و رویه مأموران، هرچند بند ۱۵ قانون فوق، رئیس قوه قضاییه را موظف کرده هیئتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد

پیش‌بینی شده در قانون تعیین کند، اما تاکنون گزارش یا آمار رسمی از این نظارت یا نتایج آن رؤیت نشده است.

مجاز بودن تحقیقات میدانی توسط نهادهای حقوق بشر بین‌المللی و داخلی و ارائه گزارش شفاف در این خصوص، جهت اطمینان از رعایت حقوق متهمین حین دستگیری می‌تواند گامی روبه‌جلو تلقی شود. به‌عنوان نمونه، در گزارش سال ۲۰۲۲ کمیته ضد شکنجه شورای اروپا^۱ در خصوص کشور فرانسه آمده است که اکثر افراد مصاحبه‌شونده هیچ‌گونه بدرفتاری فیزیکی را گزارش نکردند، اما اتهامات توهین با ماهیت نژادپرستانه، همچنین تهدید با سلاح گزارش شده است؛ بنابراین هیئت پیش‌بینی‌شده در ماده ۱۵ قانون فوق می‌تواند ضمن بررسی و ارائه گزارش شفاف دوره‌ای، از نهادینه شدن یا پنهان ماندن رفتار غیرقانونی پیشگیری کند.

ترتیب اثر ندادن قضات به دستگیری و اقدام‌هایی که مأمورین برخلاف ضوابط انجام داده‌اند، اقدام بازدارنده دیگری در راستای رعایت حقوق افراد جامعه است. در نظام حقوقی انگلستان، رفتار نابجای مأموران اجرای قانون حین دستگیری، صرف‌نظر از امکان تعقیب کیفری و انتظامی آنان، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر فرایند دادرسی بگذارد. به‌عنوان مثال، در یک پرونده مطرح در یکی از دادگاه‌های این کشور که پلیس حین دستگیری نوجوان ۱۶ ساله به او گفته بود: «اگر یک کلمه دیگر حرف بزنی صورت عربی گونه تو را خرد می‌کنم... این چیزی است که تو نمی‌توانی در دادگاه هم آن را اثبات کنی چون من آن را می‌نویسم»، جدای از اینکه منجر به انفصال خدمت مأمور شد، دادگاه اتهام اخلال در نظم عمومی را با این استدلال که نمی‌توانم هیچ‌یک از مطالبی را که این مأمور به من گزارش داده باور کنم، منتفی دانست (Guardian, 20 may 2005 in Parvizifard, 2017: 83)؛ بنابراین هرچند اعمال زور معنوی حین دستگیری متهمان یا در زمان تحت نظر و بازداشت ممنوع و دارای مجازات است؛ اما ارائه گزارش رسمی در خصوص

1. Council of Europe anti-torture Committee

اجرای آن، نظارت فنی و غیر محسوس بر رفتار مأموران یا اقدام حرفه‌ای در ترتیب اثر ندادن به دستگیری یا سایر اقدام‌هایی که با اعمال زور اعم از مادی و غیرمادی و برخلاف قانون انجام شده می‌تواند به اثربخشی سیاست کیفری کمک کند.

۱-۲. محدودیت اعمال زور در مورد بازداشت‌شدگان و زندانیان

به موجب قوانین ایران، اجازه سلب آزادی در سه مورد تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان دادگستری، بازداشت موقت به‌عنوان قرار تأمین کیفری و اجرای کیفر زندان داده شده است. تأمین حقوق افراد حین بازداشت یا حبس و محدودیت اعمال زور از سوی مأموران نسبت به افرادی که به هر ترتیب قانونی آزادی آن‌ها سلب شده امر مهمی است. در این مبحث امکان به‌کارگیری زور توسط مأمورین، نسبت به افراد در بازداشت یا حبس اشاره می‌شود.

حق بر امنیت جانی زندانیان با اقدام به استفاده از زور یا سلاح توسط مأموران به بهانه کنترل آنان، ممکن است به خطر افتد. مهم‌ترین سند قانونی معتبر در ایران جهت تعامل با زندانیان، «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰ است». در این آیین‌نامه مفصل هرچند در جاهای مختلف از جمله بند ۹ ماده ۹ به «تأمین امنیت و اتخاذ تمهیدات لازم برای پیشگیری از وقوع تخلفات یا جرائم و جلوگیری از فرار زندانیان» و در ماده ۱۴ در تعیین وظایف یگان حفاظت به «استقرار نظم و تأمین امنیت و پیشگیری و جلوگیری از فرار زندانی، کنترل هرگونه اغتشاش، شورش یا اقدام مخل امنیت» اشاره شده، سعی کرده به موضوع اعمال زور مادی جهت کنترل بر زندانیان ورود نکند و در طرف مقابل در ماده ۱۰۸ به‌طورکلی شکنجه و بدرفتاری با زندانیان را ممنوع اعلام کرده اما تعیین مواردی که به‌ناچار استفاده از زور ضرورت دارد و تعیین شرایط و محدوده‌ی آن، مسکوت مانده ولی با توجه به ماده ۱۸ آیین‌نامه که به مأموریت افرادی از نیروهای مسلح به سازمان زندان‌ها و این‌که رفتار آن‌ها تابع آیین‌نامه استفاده از سلاح نیروهای مسلح است، به‌گونه‌ای مبهم به استفاده از

نیروهای مسلح در اداره زندان و استفاده از سلاح اشاره شده است. از نظر ضوابط بین‌المللی، مواد ۱۵ و ۱۶ اصول اساسی استفاده زور مقرر کرده، مأموران اجرای قانون در برخورد با افراد بازداشت‌شده، نباید از زور استفاده کنند مگر در مواردی که برای حفظ امنیت و نظم زندان یا بازداشتگاه به شدت ضروری باشد. اصل ۱۶ نیز استفاده از سلاح گرم در زندان را فقط در صورتی مجاز می‌داند که به منظور دفاع از خود یا دیگران در برابر تهدید فوری مرگ یا جراحت جدی و همچنین برای جلوگیری از فرار شخصی که چنین خطری را ایجاد کرده است ضروری باشد. از این رو مأمورین زندان در انجام وظیفه خود که نگهداری از زندانیان است نباید از زور استفاده کنند، مگر برای دفاع از خود (INDECOM, 2017:33)، در این شرایط هم نباید بیش از آنچه ضروری است از زور استفاده کنند.

موضوع قابل‌طرح دیگر در محیط زندان یا بازداشتگاه‌ها، نحوه تعامل با زندانیان در موقعیت‌هایی است که حوادث غیرقابل‌پیش‌بینی مانند آتش‌سوزی، زلزله و ... رخ دهد. در چنین شرایطی هر شخصی به‌طور غریزی اقدام به حفظ جان خود و فرار می‌کند، در این میان، اقدام برای حفظ جان توسط زندانی و انجام وظیفه مأمور برای جلوگیری از فرار در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد اعمال زور و به‌کارگیری سلاح در شرایط حوادث غیرمترقبه با تکیه بر این استدلال که مانع فرار شوند، مبنای منطقی ندارد، بلکه ممانعت مأموران جهت جلوگیری از فرار زندانیان در شرایط مرگبار، مصداقی از اعمال زور محسوب می‌شود. از سوی دیگر تلاش مأموران زندان برای حفظ و کنترل زندانیان به‌وسیله اعمال زور می‌تواند نتیجه عکس بدهد؛ یعنی هنگامی که اقدام‌های مأموران ناعادلانه تلقی شود و زندانیان، مأمور را منبع نامشروع اعمال زور بدانند، کمتر با آنان همکاری کرده و در نتیجه از وی پیروی نمی‌کنند (Maguire & Oakley, 2020:55)، در نتیجه سرکوب و اعمال زور در شرایط اضطراری، سبب از بین رفتن انسجام موجود در زندان و نافرمانی و شورش می‌شود.

در خصوص رویه‌های اجرایی و میزان استفاده از زور در اداره زندان‌ها در ایران، اطلاعات و آمار قابل اتکایی در دسترس نیست و با وجود مراجعه و درخواست، اجازه تحقیق میدانی هم فراهم نشد. در مجموع هرچند آیین‌نامه‌های اجرایی زندان‌ها به صورت خوب و مطابق موازین اسلامی و حقوق بشری تنظیم می‌شود، به دلیل عدم وجود یک‌نهاد تخصصی جهت بررسی و گزارش موارد اعمال زور نسبت به زندانیان و از طرف دیگر اگر متهم یا محکومی هم بعد از رهایی از حبس ادعای سوءرفتار یا اعمال زور از سوی مأموران داشته باشد ممکن است به‌عنوان تشویش اذهان عمومی و ... تحت تعقیب قرار گیرد و از سوی دیگر نهادهای متعددی به شیوه‌های متفاوتی افراد را بازداشت یا تحت نظر می‌گیرند، ارزیابی دقیقی در این زمینه نمی‌توان ارائه داد.

۱-۳. محدودیت‌ها حین برگزاری تجمعات و اعتراض‌ها

آزادی‌های گروهی مانند آزادی تجمع، راهپیمایی مسالمت‌آمیز یا تحسن برای احزاب، گروه‌ها یا اشخاص حقیقی از حقوق اساسی مصرح در قوانین اساسی کشورهاست^۱ که در قوانین عادی نیز شیوه اعمال و تضمین آن مشخص شده است (Aghababaei, 2023:89). این حق‌ها را می‌توان در زمره مفهوم کلی‌تری به نام مشارکت سیاسی دسته‌بندی کرد، زیرا شهروندان از طریق اعمال این حق‌ها به صورت مستقیم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود مشارکت کرده و در طراحی یا تغییر محیط اجتماعی و سیاسی مداخله می‌کنند (Abadi & Rahimi Moghadam, 2014). این حق در اصل ۲۷ ق.ا. پیش‌بینی شده است که با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حاکمان (النصیحه لائمة المسلمین) و آموزه تظلم‌خواهی علنی، از مصادیق انعکاس و تضمین آموزه‌های اسلامی در قانون اساسی است (Aghababaei, 2023: 94). قانون اساسی آمریکا

۱. با توجه به الزام و تعهد ناشی از الحاق یا پذیرش اسناد حقوق بشری، حق تشکیل یا شرکت در تجمعات مسالمت‌آمیز در قوانین اساسی ۱۸۰ عضو از ۱۹۳ عضو سازمان ملل پیش‌بینی شده است (Jarman & Hamilton, 2009 : 6).

نیز یکی از نخستین سندهای حقوقی در جهان معاصر است که از حق بر آزادی تجمعات دفاع کرده است (Rosenfeld & Sago, 2012: 951)، همچنین ماده ۱۱ بخش ۱ قانون حقوق بشر انگلیس اعلام داشته، هرکس حق آزادی اجتماع مسالمت‌آمیز و آزادی تشکل با دیگران، برای حمایت از منافع خود را دارد و هیچ محدودیتی برای اجرای این حقوق نباید اعمال شود. مگر آنچه در قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به نفع امنیت عمومی و ملی، برای پیشگیری از بی‌نظمی یا جنایت و برای حفاظت از سلامت جامعه ضروری باشد. مسئله مهم و قابل‌طرح در اینجا، اجرای این حق و محدودیت‌های پیش‌روی آن است. به بیان دیگر سؤال اساسی آن است که مأموران اجرای قانون در مواجهه با جمعیت‌های معترض باید چه استانداردهایی را مدنظر قرار دهند؟ در پاسخ باید عنوان کرد که اعتراض مدنی شهروندان به صورت‌های مختلف بروز می‌کند:

نخست، تجمعات موقت که به صورت تظاهرات و راهپیمایی خیابانی مرسوم است. قوانین کشورهای مردم‌سالار اساساً این‌گونه تجمع‌ها را آزاد اعلام کرده‌اند؛ اما در کنار تضمین این حق، بدیهی است که وظیفه دولت‌ها تأمین امنیت و نظم عمومی کشور است. گاهی این تجمعات تبدیل به شورش یا اغتشاشات می‌شوند. به همین خاطر این آزادی مانند سایر آزادی‌ها مطلق نیست و همان‌گونه که در بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۱ میثاق حقوق مدنی سیاسی یادآوری شده است، اجرای این حق توسط قانون و در یک جامعه مردم‌سالار با ملاحظه امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی و ... تضمین می‌شود و لذا اعتراض‌ها و تجمعات مسالمت‌آمیز مورد حمایت نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. منظور از مسالمت‌آمیز بودن، ممنوعیت توسل به هر نوع خشونت است و همان‌گونه که در اصل ۲۷ قانون اساسی ایران نیز تأکید شده است، بارزترین شکل آن همراه داشتن سلاح است. شیوه مواجهه مأموران حافظ نظم با راهپیمایی مسالمت‌آمیز باید به‌دوراز هرگونه اعمال زور و صرفاً به جهت تضمین امنیت تجمع و حاضران باشد. همچنان که ماده ۱۳ اصول اساسی استفاده از زور مقرر کرده است در پراکنده کردن اجتماعاتی که غیرقانونی اما غیر خشونت‌آمیز است،

مأموران اجرای قانون باید از توسل به زور اجتناب کنند. مضافاً آنکه مسالمت‌آمیز بودن فقط راجع به تظاهرکنندگان نبوده و موضوعی چند سویه است که علاوه بر اجتماع‌کنندگان، مأموران نیز باید آن را رعایت کرده و با رفتارشان از به خشونت کشیده شدن و غیر مسالمت‌آمیز شدن آن جلوگیری کنند (Eslami & kamali, 2014: 193). در این میان توسل به زور در مقابل تظاهرات و تجمع‌هایی که در فکر استفاده از زور نیستند و کنش‌هایی صلح‌آمیز بروز می‌دهند، یکی از چالش‌های مأموران است. به عبارت دیگر، نحوه برخورد مأموران با تجمع‌کنندگان معترض، می‌تواند یک اجتماع به‌دوراز هرگونه خشونت را به سمت درگیری با مأمورین یا اقدام‌های خشونت‌آمیز دیگر سوق دهد؛ بنابراین این امکان که مأموران اجرای قانون که تأثیری مستقیم بر علل ایجاد اعتراض نداشته اما به‌رحال بر روند اعتراض، اثرگذاری عمده‌ای خواهد داشت همواره وجود دارد. نمونه مشهود آن، اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در آمریکا بود که معترضان، مدعی حق تجمع مسالمت‌آمیز برای ابراز نگرانی نسبت به دخالت آمریکا در جنگ ویتنام، تظاهر به ریا در جامعه و سایر مسائل اجتماعی شدند، اما در مقابل دولت آمریکا از دادن مجوز تجمع و راهپیمایی امتناع کرد و خواستار اقدام قاطع توسط پلیس آن کشور شد. در نتیجه کشتار دانش‌آموزان در شهر کنت^۱ توسط نیروهای گارد ملی که خواستار کنترل شورش شده بودند، کل کشور را شوکه کرد و منجر به صدها گردهمایی و درگیری تنش‌آمیز شد (Man & Iscoe, 1971: 2). از این‌رو استفاده نامناسب از زور می‌تواند نتیجه معکوس داده و این تاکتیک در خدمت دشمنی با جمعیت قرار گیرد (Brown & Mead, 2021: 56) که در نتیجه منجر به ایجاد تنش ناخواسته بین مأموران و معترضان می‌شود.

شکل دیگر اعتراض مدنی تحصن گروه‌های مختلف اجتماعی است. در این روش اعتراضی، معترضان بدون هیچ‌گونه اعمال خشونت‌آمیزی برای بیان خواسته‌های خود

1. Kent.

در مکانی معین مانند محل کارسازمانی خود تجمع کرده و قصد اصلی آنان توجه حکومت یا کارفرمای خصوصی به مطالبات نوعاً صنفی ایشان است. روشن است که در این روش نیز مادام که تجمع تحصن‌کنندگان مانعی بر سر راه نظم و امنیت عمومی جامعه نباشد، توسل مأموران به زور هیچ پشتوانه منطقی و عقلانی ندارد.

سوم، اعتراض همراه با خشونت است. در این روش معترضان به‌دوراز فضای مسالمت‌آمیز به اقدام‌هایی نظیر تخریب اموال عمومی، پرتاب اشیاء، استفاده از سلاح و درگیری با مأموران و دیگر شهروندان دست می‌زنند. مسئله قابل‌توجه در این موارد این است که آیا صرف خشونت در اعمال معترضان باید اعمال زور از سوی مأموران را به همراه داشته باشد؟ در ماده ۵ قانون به‌کارگیری سلاح، مأمورین نظامی و انتظامی را برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمایی‌های غیرقانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها شورش‌های مسلحانه مجاز به استفاده از سلاح می‌داند. از مفاد این ماده برداشت می‌شود که صرف مسلح بودن معترضین، مجوز استفاده از سلاح توسط مأموران بدون رعایت مراحل و شرایطی است. درحالی‌که ماده ۱۴ اصول اساسی استفاده از زور و سلاح گرم مقرر کرده در پراکنده کردن اجتماعات خشونت‌آمیز، مأموران فقط باید زمانی از سلاح گرم استفاده کنند که وسایل کمتر خطرناک عملی نباشد، اصل ضرورت نیز باید رعایت شود. ضمن آنکه در این شرایط نیز استفاده از سلاح را فقط در صورتی مجاز می‌داند که شرایط اصل ۹ حادث شود یعنی مسئله حفظ جان مأمور یا شهروندان در میان باشد. در انگلستان نیز به تشخیص قانون و موارد مشخص‌شده، مأموران ممکن است در برخی شرایط مجبور به استفاده از زور شوند. ازجمله آن‌ها در قانون کیفری ۱۹۶۷ و قانون پلیس و شواهد جنایی ۱۹۸۴ وجود دارد که تعیین کرده مأموران در شرایط معقول از زور استفاده کنند. البته در هر صورت لازم است استفاده از زور در آن شرایط نیز به حداقل برسد. (Brown & Mead, 2021: 56). از این رو شایسته است که مأموران ابتدا سعی در تذکر و برخورد مسالمت‌آمیز کنند، زیرا هنگامی‌که با درخواست و هشدار شفاهی می‌توان به هدف که همان برقراری نظم و امنیت است رسید، دیگر نیازی به ضرب و

شتم و اعمال زور برای تأثیرگذاری مأموران بر معترضان نیست (Boyle & Vullierme, 2021:26). فلذا برخلاف آنچه در ماده ۵ قانون به‌کارگیری سلاح ایران مقرر شده صرف مسلحانه بودن اعتراضات نباید مجوز استفاده از سلاح برای مأموران باشد، بلکه ضمن رعایت قواعد دفاع مشروع و اصل تناسب، همچنین اصل احتیاط توسل به‌زور از جانب مأموران به‌عنوان آخرین راه‌حل می‌تواند مجاز واقع شود. به‌نحوی که در ابتدا حتی‌الامکان از روش‌هایی باید استفاده کرد که آسیب کمتری متوجه معترضان کند و هدف را باید برقراری نظم و امنیت در آن شرایط قرار داد و نه مقابله با متهمان. به‌عنوان مثال همچنان که در ماده ۱۵ قانون فدرال سوئیس پیش‌بینی شده است، در مقابل استفاده از سلاح گرم توسط معترضان باید از وسایل ناتوان‌کننده که هیچ اثر کشنده‌ای ندارد، استفاده کرد. همچنین استفاده از گاردهایی که حافظ جان مأموران باشد. در این مواقع، به‌تبع حافظ جان معترضان بوده و مجبور به استفاده از سلاح کشنده نخواهند بود و یا مثال دیگر استفاده از سلاح‌های غیرکشنده مانند گاز اشک‌آور و باطوم است که منجر به متفرق شدن معترضان شود.

در مجموع، باید گفت هنگامی که بحث از برقراری نظم و امنیت توسط مأموران در برابر برهم زندگان آن مطرح می‌شود، توجه به این نکته که اعتراض مدنی یک اقدام مباح و اعمال حق شهروندی است و معترضین، تشویق‌کنندگان به اعتصاب و تظاهرات، ناقضان نظم و امنیت شناخته نمی‌شوند هرچند ممکن است در مواردی هم دچار اشتباه شوند، ضروری است (Karimi Khozani, & Ghafari Gholam & Aziz Abadi, Farahani, 2018: 10). به همین دلیل، برخورد مأموران و استفاده از زور توسط آنان علیه معترضان باید با حساسیت خاصی از جانب حکمرانان همراه باشد.

در مقررات فعلی ایران تاکنون قانون مدونی برای نظام‌مند کردن حدود وظایف ساختارهای انتظامی - نظامی در شرایط وقوع بحران‌های اجتماعی و امنیتی و به‌تبع آن اغتشاشات و تجمع‌های اعتراض‌آمیز به تصویب نرسیده است. همین مسئله خود دلیل اصلی برخورد سلیقه‌ای مأموران در مواجهه با معترضان در خیابان‌ها و مکان‌های

عمومی یا محیط‌های کارگری یا کارمندی است. شایان‌ذکر آنکه جهت تضمین حق بر آزادی خصوصاً آزادی تجمعات، قوه قضاییه به‌عنوان متولی اصلی در پاسداشت حقوق و آزادی افراد، می‌تواند در رسیدگی‌های خود و صدور آراء، حمایت از این حق را با حساسیت خاصی مدنظر قرار دهد. همچنان که شورای دولتی فرانسه اختیار اقدام به‌منظور حفظ نظم عمومی را منوط به در نظر گرفتن آزادی شهروندان کرده و باوجود تجویز تحدید حق تجمع و اعتصاب، برای پیشگیری از استفاده نامشروع یا مغایر با مقتضیات نظم عمومی، گونه‌ای نظارت شدید و حداکثری از سوی دادگاه را مورد تأکید قرار می‌دهد (Arnold & Martinez, 2017: 212). در ایران نیز هرچند می‌توان مفاد ماده ۵۷۰ ق.م.ا در شکایت از اقدام‌های مأموران را که منجر به نادیده گرفتن حق آزادی تجمع به‌عنوان یکی از حقوق مصرح در قانون اساسی ضمانت اجرای کیفی مناسبی دانست، اما به جهت این‌که در قوانین عادی تاکنون این حق برای عموم شهروندان تضمین نشده و در تبصره ۲ ماده ۶ «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷» برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی‌که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ منحل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است»، از حقوق گروه‌ها و احزاب دانسته شده است، مواجهه مأموران انتظامی و امنیتی با هرگونه تجمع اعم از این‌که صنفی یا سیاسی و اجتماعی باشد، به‌عنوان برخورد با تجمع غیرقانونی تلقی شده و در حوادث تلخ سال‌های اخیر، تبعات غیرقابل جبرانی را برای شهروندان و نظام حکمرانی مطلوب ایجاد کرده که لزوم تدبیر مناسب بر مبنای قانون اساسی در این زمینه ضروری است.

۲. محدودیت‌های مطلق در استفاده از زور

در به‌کارگیری زور، اصل را باید محدودیت مطلق و ممنوعیت آن دانست، زیرا به‌کارگیری زور اصولاً یک رفتار نادرست اخلاقی است که تحمیل‌کننده درد و رنج و آثار ناخوشایند به فرد، صرف‌نظر از اراده و رضایت اوست (Mahmoudi Janaki & Rostaie, 2013: 37). به همین دلیل در مواردی که به‌کارگیری زور مخالفت شدیدی با حقوق بشر، حیثیت و کرامت انسانی دارد و یا منجر به از دست رفتن امنیت و آسایش شهروندان می‌شود، باید به‌طور مطلق ممنوع و محدود شود. نمونه‌ای از این موارد می‌تواند شامل شکنجه متهم، رفتار مأموران در شارع عام و همچنین در اماکن آموزشی و درمانی باشد.

۱-۲. شکنجه متهم

شکنجه متهمان توسط مأموران به دلیل مخالفت با کرامت انسانی در قوانین اکثر کشورها^۱ و همچنین اسناد بین‌المللی متعددی ممنوع اعلام شده است. در ایران اصل ۳۸ قانون اساسی بر ممنوعیت شکنجه از متهمان تأکید دارد و هرگونه اقرار و یا شهادتی که بر مبنای شکنجه تحصیل شده را فاقد اعتبار می‌داند. در قوانین عادی نیز ممنوعیت شکنجه مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است؛^۲ اما نکته مهم آنکه اشاره به ممنوعیت مطلق شکنجه در قوانین به‌تنهایی برای پیشگیری از این جرم کافی نیست؛ بلکه تصویب قوانینی

۱. به‌عنوان نمونه ممنوعیت شکنجه توسط مأموران دولت، در قانون اساسی ایالات متحده به‌ویژه متمم پنجم قانون اساسی گنجانده شده است؛ اما مهم‌تر آنکه به‌طور ضمنی نیز در ساختار جامعه سیاسی ایالات متحده، ممنوعیت شکنجه برای شهروندان تبیین شده است (Skoll, 2008: 29). کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر برای جلوگیری از مجازات شکنجه (IACPPT) یک ابزار حقوق بشر بین‌الملل است که در سال ۱۹۸۵ توسط سازمان کشورهای آمریکایی باهدف جلوگیری از شکنجه و سایر فعالیت‌های مشابه ایجاد شد.

۲. مواد ۳۷، ۴۴، ۶۰ و ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری، تبصره ۲ ماده ۳ و ماده ۳۳۶ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و بند ۶ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.

جهت شناسایی همه جنبه‌های اعمال زور و ارائه تمهیداتی جهت نظارت بر اعمال مأمورین و پیش‌بینی ضمانت اجراهای متناسب با نوع شکنجه کارساز خواهد بود.

یکی از موارد اعمال زور از طریق شکنجه نسبت به افراد بازداشتی و متهم، سیاستی است که دولت آمریکا به بهانه مقابله با تروریسم اتخاذ کرد. در دوران جنگ علیه تروریسم، دولت بوش به آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده اجازه داد از «تکنیک‌های بازجویی پیشرفته» برای کشف اطلاعات از تروریست‌های مشکوک استفاده کند که به باور بسیاری این تکنیک پیشرفته بازجویی نام دیگر شکنجه است. در نتیجه با توجه به اینکه شکنجه از نظر اخلاقی مذموم است، این سیاست مدام مورد اعتراض قرار گرفت. در حالی که دولت بوش تلاش داشت تا با عادی کردن شکنجه، استفاده از تکنیک مذکور را قانونی جلوه دهد (Chwastiak, 2015: 493). از این رو خصوصاً در سال‌های اولیه بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، با توجه مقابله با تروریسم شدیدترین موارد شکنجه در زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب توسط زندانبانان یا نظامیان آمریکایی نسبت به زندانیان اعمال شد که نتیجه آن خرد کردن شخصیت، توهین، ضرب و جرح و حتی مرگ این زندانیان بود (Pfiffner, 2008: 14). البته در اواخر سال ۲۰۰۶، نیروهای مسلح آمریکا نسخه جدیدی از آیین‌نامه رزمی ارتش آمریکا را در زمینه‌های اطلاعاتی و ضد شورش منتشر کرد که هر دو آیین‌نامه تأکید داشتند که بر اساس قوانین آمریکا و تعاریف آن، هیچ‌یک از کسانی که در بازداشت یا تحت کنترل وزارت دفاع هستند، فارغ از ملیت یا موقعیت جغرافیایی‌شان، نباید در معرض شکنجه یا رفتارها و مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی و موهن قرار بگیرند. از طرفی نیز کمیته منتخب اطلاعات سنا نیز چهار سال را صرف تحقیق جامع در مورد برنامه «بازجویی پیشرفته» سیا کرد که نتایج حاکی از این بود که نه تنها استفاده از «تکنیک‌های بازجویی پیشرفته» از نظر اخلاقی مشکوک است، بلکه منجر به شکست‌های عملی نیز شده

(Chwastiak, 2015: 507) و کمکی به حل معضل تروریسم نکرده است. ناگفته پیداست که این دیدگاه به معنای عدم مجازات عاملان حملات جنایت‌کارانه و تروریستی نیست اما اعمال مجازات باید پس از اثبات جرم صورت گیرد و نه این‌که متهمان برای کشف جرم یا مرتکبان آن مورد شکنجه قرار گیرند.

۲-۲. استفاده از زور در شارع عام

مورد دیگر از ممنوعیت‌های مطلق، در استفاده از زور شارع عام است. انسان مدرن همواره بخشی از فعالیت روزمره خود را در جامعه سپری می‌کند. در نتیجه خیابان‌ها محل رفت‌وآمد بی‌وقفه شهروندان است. امنیت و آسایش خیابان‌ها و معابر عمومی گاه به دلیل ارتکاب جرم توسط مجرمین به خطر می‌افتد و ممکن است حتی به دلیل اقدام‌های افراد مجرم و شرور در این اماکن جان شهروندان بی‌گناه نیز به خطر بیفتد. به این جهت اقدام‌های پلیس در راستای حفظ نظم و امنیت دودسته مخاطب را شامل می‌شود، شهروندان قانون‌گرا و شهروندان قانون‌گریز. این دو قشر همواره در کنار یکدیگر بوده و تمایز فیزیکی از یکدیگر ندارند. اقدام‌های مأموران در راستای کنترل بزهکاران می‌تواند بر شهروندان قانون‌گرا نیز مؤثر باشد.

بنا بر موارد فوق می‌توان گفت که اعمال زور و استفاده از سلاح توسط مأموران، می‌تواند برای شهروندان قانون‌گرا نیز خطرناک باشد، زیرا به هر میزان امکان استفاده از سلاح در مأموریت‌های مأموران وجود داشته باشد، به همان میزان امکان خطر برای شهروندان بی‌گناه در نتیجه اشتباه در هدف‌گیری یا اشتباه در هویت نیز بیشتر می‌شود (Afrasiabi, 2015: 202)؛ بنابراین به همان اندازه که اقدام‌های مجرمین شرور در شارع عام برای شهروندان مخاطره‌برانگیز است، استفاده از سلاح توسط مأموران نیز امکان به خطر انداختن جان شهروندان را به همراه خواهد داشت. به همین دلیل در این مواقع مأموریت‌های آنان و اعمال زور و استفاده از سلاح توسط آنان باید متناسب با شلوغی اماکن محل مأموریت سنجیده شود و محدودیت‌های عمل در آن به شدت اعمال شود،

به طوری که حتی اگر این محدودیت‌ها منجر به متواری شدن متهمان شود به صرفه‌تر از آسیب و یا از دست دادن جان شهروندان بی‌گناه خواهد بود، زیرا در یک موازنه‌ای قرار گرفته که جان شهروندان در خلال مأموریت این نیروها حفظ شده است.

در خصوص ایجاد محدودیت به کارگیری زور در این اماکن، ماده ۷ قانون به-کارگیری سلاح مقرر کرده، حتی‌المقدور استفاده از سلاح توسط مأمورین منجر به آسیب به اشخاص ثالث نشود. به نظر می‌رسد این میزان ایجاد محدودیت که تفسیر و تصمیم در مورد آن به تشخیص مأمور واگذار شده است، ممکن است به فجایعی منجر شود که به دلیل واکنش شدید افکار عمومی، دولت ناگزیر خواهد شد همان مأموری که تصمیم در این موقعیت به وی واگذار شده مورد تعقیب و مجازات قرار دهد.^۱ از نظر ضوابط بین‌المللی نیز ماده ۳ اصول اساسی استفاده از زور سازمان ملل راه‌حل را توسعه و استقرار سلاح‌های ناتوان‌کننده غیرکشنده می‌داند که باید به‌دقت مورد ارزیابی قرار گیرد تا امکان به خطر انداختن افراد غیر درگیر به حداقل برسد. ماده ۷-۳ قانون جزای نمونه آمریکا نیز در بند الف مورد سوم به این مهم توجه داشته است و مأمور را در شرایطی مجاز به استفاده از زور می‌داند که زور اعمال‌شده، متضمن خطر شدید صدمات بدنی برای اشخاص بی‌گناه نباشد. همچنین دیپارتمان پلیس نیویورک^۲ اصولی را برای استفاده سلاح گرم پیش‌بینی کرده است که بند دوم آن به این مهم اشاره داشته، مأموران نباید در هنگام استفاده از سلاح افراد بی‌گناه را به خطر بیندازند.

مقایسه بین مقررات مورد اشاره حاکی از آن است که در ایران، با وجود تصریح بر رعایت حفظ جان شهروندان بی‌گناه، استفاده از لفظ تفسیر بردار حتی‌المقدور، این دیدگاه

۱. به‌عنوان نمونه فاجعه‌ای که در اثر تیراندازی مأموران در خیابان متی به یک کلانتری در زاهدان منجر به مرگ افراد بی‌گناهی شد که برخی از آن‌ها هیچ دخالتی در تنش ایجادشده در اطراف کلانتری نداشته و به‌عنوان رهگذر یا نظاره‌گر بودند و بعد از بررسی مقام‌های ذی‌صلاح مشخص شد نیروهای انتظامی مستقر در کلانتری جنب محل نماز جمعه دچار قصور یا تقصیر شده‌اند و فوت‌شدگان شهید نامیده شدند

(www.mehrnews.com/news/5632282/)

2. New York Police Departmen (NYPD).

را تقویت می‌کند که تعقیب یا دستگیری متهم بر حفظ جان شهروندان برتری یافته است، زیرا که لفظ حتی‌المقدور در ماده ۷ قانون به‌کارگیری سلاح اختیار گسترده‌تری را به مأمور جهت استفاده از سلاح در مکان‌های شلوغ با این استدلال که در حال تعقیب متهم بوده، اعطا می‌کند. لیکن اشاره به سلاح‌های غیرکشنده در ماده ۳ سند مذکور رعایت حرمت حفظ جان انسان‌های بی‌گناه را مدنظر قرار داده است و همچنین قوانین مورد اشاره در ایالت متحده نیز تقدم حفظ جان شهروندان بی‌گناه بر تعقیب متهم را تقویت می‌کند.

۲-۳. مکان‌های آموزشی و درمانی

ورود نیروی پلیس مسلح یا سایر مأموران در مکان‌های خاص از جمله مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و موارد مشابه و استفاده از سلاح برای انجام وظیفه، با مخاطرات مضاعفی روبروست. تجربه‌های تلخی چون ۱۶ آذرماه سال ۱۳۳۹ و بهمن‌ماه سال ۱۳۴۰ و ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ و تبعات منفی آن موجب شد موضوع مورد توجه حاکمیت ایران قرار گرفته و با توجه به طرح قانونی ارائه‌شده به مجلس با عنوان «قانون ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی» در تیرماه ۱۳۷۹ که در ۳۰ مردادماه همان سال تصویب شد، ورود نیروهای مسلح اعم از نظامی، انتظامی و اطلاعاتی برای انجام مأموریت‌های امنیتی، حمل و نگهداری سلاح و دستگیری افراد در محیط دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور ممنوع شد. در تبصره یک این قانون آمده است، در شرایط اضطراری این امر فقط با درخواست رئیس دانشگاه یا مرکز آموزش عالی و با موافقت وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در چارچوب ضوابط قانونی مقدوراست.^۱ به همین منظور، پیش‌بینی

۱. این قانون از تمامی سامانه‌های قوانین کشور حذف شده و حتی در سایت مجلس و سایت روزنامه رسمی کشور هم قابل دسترسی نیست و عملاً سرنوشت این قانون و اعتبار آن در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

ممنوعیت ورود مأموران به اماکن آموزشی، با توجه به جایگاهی که این اماکن نزد عموم دارند، امری پسندیده و جایز است، زیرا حفظ جایگاه این اماکن از سویی و طبیعت این اماکن از سویی دیگر که جرم خیز نیستند، این ممنوعیت را توجیه می‌کند.

با توجه به مصوبه فوق و اینکه نوعاً بیمارستان‌ها و مکان‌های درمانی نیز به‌عنوان مراکز آموزشی و پژوهشی زیرمجموعه وزارت بهداشت و آموزش پزشکی هستند، این مکان‌ها هم از جمله اماکنی هستند که ورود مأموران به آن به دلیل حساسیت‌های خاص موجود در این مکان‌ها ممنوع است به‌جز موارد استثنایی نظیر احتمال وقوع جرائم تروریستی یا امنیتی که با هماهنگی مدیر بیمارستان یا مرکز درمانی و موافقت وزیر مربوط این اقدام میسر خواهد بود.

فرجام سخن

پیشگیری و مقابله با جرم و ناامنی یکی از وظایفی است که انجام آن به مأموران اجرای قانون واگذار شده است. در مقررات ایران به‌موجب ماده ۳ «قانون به‌کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری»، اختیارات گسترده‌ای در ده بند به مأموران اعطاشده تا این وظیفه را انجام دهند. قانون مذکور این اختیارات گسترده را با کمترین قید و محدودیت و فارغ از ملاحظه مخاطرات جانی برای انسان‌ها موردنظر قرار داده است. به‌عنوان نمونه، در مواردی از جمله برای بازداشت فرد فراری از زندان یا بازداشتگاه، یا فرد تحت تعقیب نیروهای نظامی و انتظامی به‌خصوص در اتومبیل یا سایر وسایل نقلیه در حال حرکت یا در شورش‌ها و تجمعات به‌صورت کلی و بدون توجه به مخاطرات جانی برای فرد تحت تعقیب یا افراد بی‌گناه دیگری که ممکن است رهگذر یا نظاره‌گر باشند اجازه استفاده از سلاح و اعمال زور به مأموران اعطا شده است، حال آنکه ممکن است فرد فراری، متهم یا محکوم به ارتکاب یک جرم درجه پایین باشد، اما اهمیت جان وی و کسانی که احتمال عقلایی برای آسیب دیدن آن‌ها وجود دارد کمتر از دستگیری و متوقف کردن فرد موردنظر مأموران است. مطابق یافته-

های این تحقیق ضروری است که قوانین موجود خصوصاً قانون به‌کارگیری سلاح از این منظر اصلاح شود و حتی‌الامکان با آنچه در اصول اساسی استفاده از زور سازمان ملل موردتوجه قرار گرفته است منطبق شود و موارد استفاده از سلاح و به‌طورکلی استفاده از زور، قاعده‌مند و با رعایت قاعده کلی حفظ جان انسان‌ها اعم از مأموران، شهروندان عادی یا متهمان و محکومان معین شود؛ بنابراین استفاده از سلاح باید نخست، مجاز باشد؛ یعنی توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده باشد و صرف تشخیص مأمورین کفایت نمی‌کند؛ دوم، استفاده از زور و سلاح باید در شرایط اضطراری مجاز باشد؛ یعنی هدف مشروع موردنظر (حفظ جان مأمور و دیگر شهروندان) با هیچ راه دیگری غیر از زور قابل دستیابی نباشد؛ سوم، رعایت تناسب در اقدام‌های مأموران باید موردتوجه قرار گیرد؛ یعنی از حداقل نیروی لازم برای دستیابی به یک هدف مشروع استفاده شود و صرفاً در حدی که برای دستیابی به یک هدف قانونی لازم است از زور استفاده شود. به‌عنوان نمونه، استفاده از سلاح گرم برای دستگیری سارقی که غیرمسلح است، حتی اگر عدم استفاده از زور منجر به از دست رفتن فرصت دستگیری و فرار وی شود، تناسب موجود را برهم می‌زند؛ چهارم، اصل احتیاط در اقدام مأمور باید در رأس اقدام‌های آنان قرار گیرد؛ یعنی خطر کشته یا زخمی شدن شهروندان بی‌گناه، متهم و خود مأمور به حداقل برسد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، به همان اندازه که اعمال زور مادی توسط مأموران می‌تواند آسیب جسمی و جانی برای متهمان و مجرمان ایجاد کند، اعمال زور معنوی نیز می‌تواند آسیب روحی خصوصاً بر روی متهمان و مجرمان زندانی ایجاد کند. به همین جهت بازرسی و نظارت بر شیوه برخورد مأموران برای حفظ کرامت متهمان و مجرمان از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط خصوصاً دادستان‌ها و در صورت شناسایی هرگونه تخلف از قانون، مجازات متخلف امری ضروری است که باید صراحتاً در قانون پیش‌بینی و اجرا شود. در ایران، گزارش شفاف و قابل استنادی در خصوص اعمال زور مادی و معنوی، توسط مأموران در دسترس نیست و ارگان‌های مربوطه اعم از نیروی

انتظامی و دستگاه قضایی هیچ‌گونه آماری در این خصوص و روند رسیدگی به جرائم و تخلفات مأموران منتشر نمی‌کنند. به همین دلیل، نویسندگان با وجود تلاش و مراجعه به مراجع مرتبط، به آمار و اطلاعات مستندی در این زمینه دسترسی پیدا نکردند. از این منظر پیشنهاد می‌شود برای پیشگیری از سوءاستفاده از قانون و مقرراتی که به مأموران اجازه استفاده از سلاح یا اعمال زور را می‌دهد، یا انعکاس اقدام‌های درون‌سازمانی و حفاظتی نیروهای انتظامی - امنیتی برای پیشگیری و مقابله با سوءاستفاده از زور یا میزان گزارش تخلف مأموران از قانون، گزارش‌های نوبه‌ای منتشر یا به افرادی که به‌عنوان پژوهشگر به این سازمان‌ها مراجعه می‌کنند، به‌عنوان فرصتی برای شفاف‌سازی در این زمینه و استفاده از مطالعات و تحقیقات برای پیشگیری از سوءاستفاده از قانون یا علت‌شناسی موارد تخلف از قانون و اصلاح رویه‌ها یا مقررات بنگرند.

References

- Abadi, S. R., & Rahimi Moghadam, S. H. (2014). Consideration of The Legal System of "Right to Strike" In The United States of America And The Laws of The Islamic Republic of Iran. *Basic Rights*, 10(20), 1-30. [In Persian]
- Abdollahi, A., Rezagholi, A. & Nariman, N. (2023). Compensation of the guilty victim in the assumption of duty by the officers, *Criminal Law Research*, 14(1), 171- 195. [In Persian].
- Afrasiabi, A. (2015). Legal Authorities of Police Use of Firearms (Comparative Study of Criminal Policy of Iran and Britain, *Criminal law doctrines*, 9 (12), 199 -231. [In Persian].
- Aghababaei, H. (2010). The Scope of Security in Criminal Law, Publisher: ICT Publishing House. [In Persian].
- Aghababaei, H. (2023). The Right to peaceful assembly in public from the perspective of Islamic Sharia and Iranian law, *The Journal of Human Rights*, 18(1), 87 -110. [In Persian.]
- Arnold, R., & Martinez-Estay, J, I. (2017). *Rule of Law, Human Rights and Judicial Control of Power: Some Reflections from National and International Law*, Publisher: Springer.
- Baghaei, M. & Malmir, M. & Haidari, M. (2020). Fundamental rights of prisons in European transnational Instruments, *Journal Private and Criminal Law Research*, 45 (16), 145-171. [In Persian].

- Bernard, B. (2005). *Criminology*, translation: Njafi Abrand Abadi, Ali Hossein, (2005), print: 2, Tehran. [In Persian].
- Boyle, M., & Vullierme, J. C. (2021). *A brief introduction to policing public gatherings A guide for practitioners*, Printed at the Council of Europe.
- Brown, J. & Mead, D. (2021). *Police powers: protest*, Briefing paper, House of Commons Library, Number 5013.
- Brandon, G., & Christopher, S. (2020). The Law on Police Use of Force in the United States, *German Law Journal*, 21, 1526 – 1540.
- Chwastiak, M. (2015). Torture as normal work: the Bush Administration the Central Intelligence Agency and Enhanced Interrogation Techniques, *Journals Permissions*, (22) 4, 493-511.
- Eslami, R., & Kamalvand, M. M. (2014). The challenges of freedom of assembly in Iranian legal system in light of the international human rights standards, *Journal International law*, 50, 187-222.
- Gholami Razini, M. & Soltani, M. & Gholami, E. (2017). Review the legal challenges and gaps in the use of firearms by border guards, *Journal Frontier Studies*, 5(4), pp.1-28. [In Persian.]
- Goodstein, L. & Layton, M. (1989). *The American Prison Issues Research and Policy*, publisher: Springer US.
- Gottschalk, M. (2015). *Caught The Prison State and the Lockdown of American Politics*, Princeton University Press, New Jersey.
- Independence Commission, (2017). *Caribbean Human Rights and Use of Force*, Jamaica.
- Karimi Khozani, A. & Ghafari Gholam R. & Aziz Abadi, F. (2018). Ethics challenges and strategies of police toward demonstration and street protests, *Journal Ethics in Science and Technology*, 13 (1), 9-17. [In Persian].
- Kuester, L. (2021). *Violence in Pursuit of Health Living with HIV in the American Prison System*, Palgrave studies in prisons and penology, Palgrave Macmillan, London, UK.
- Maguire, E. & Oakley, M. (2020). *Policing Protests*, Harry Frank Guggenheim Foundation (HFG).
- Mahmoudi Janaki, F. & Roustaie, M. (2013). Justification of Criminal Intervention; Principles and Necessities, *Journal of Criminal Law Research*, 1(3), 35-66.
- Mann, Ph. & Iscoe, I. (1971). *Reflections on a peaceful demonstration*, The University of Texas at Austin, Texas Scholar Works, University of Texas Libraries.
- Michaelsen, C. (2006). Balancing Civil Liberties against National Security? A Critique of Counterterrorism Rhetoric, *University of New South Wales Law Journal*, (29), 1- 21.

- Moreland, R. (1955). Some Trends in the Law of Arrest, *Minnesota Law Review*, 39, 479- 492.
- Murdoch, J. & Roche, R. (2013). *The European Convention on Human Rights and Policing (a handbook for police officers and other law enforcement officials)*, Council of Europe Publishing.
- Neil, J., & Hamilton, M. (2009). Protecting Peaceful Protest: The OSCE/ODIHR and Freedom of Peaceful Assembly”, *Journal of Human Rights Practice*, 1(2), pp. 208- 235.
- Parvizi Fard, A. (2012). Arresting suspect without warrant by police: a comparative study in Iran and England law, *Journal Private law*, 42 (2), pp. 75-91. [In Persian].
- Pfiffner, James P. (2008). *Power Play: the Bush presidency and the Constitution*. Washington, DC, USA, Brooking Institution Press.
- Resenfeld, M. & Sajo, A. (2012). *The Oxford handbook of comparative constitutional law*, Oxford: Oxford university press.
- Skoll, Geoffrey, R. (2008). Torture and the Fifth Amendment, Torture, the Global War on Terror, and Constitutional Values, *Criminal Justice Review Journal*, (33) 1, pp. 29-47.
- United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). (2017). *Resource book on the use of force and firearms in law enforcement (Criminal Justice Handbook Series)*, United Nations Human Rights Office of the Height Commissioner.
- White, G. & Alejandra, Natalia, E. C. (2021). *Use of Police Force: A Framework to Ensure Good Governance Over the use of force*, Geneva Centre for Security Sector Governance, Geneva.